

مثل پروانه

انسیه موسویان



عنوان کتاب: مثل پَر پروانه - مدرسه‌ی جوجه‌ها - بچه‌ها! بهار را صدا کنید

نویسنده: حمید هنرجو

تصویرگر: زهره صادقیان

ناشر: کتاب‌های خورشید خانوم (واحد کودک و نوجوان نشر نوشته)

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۶

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

تعداد صفحات: ۱۲ صفحه

بها: ۴۰۰ تومان

به خوبی توانسته در این نمونه‌ها، با مخاطب ارتباط بگیرد. زبان ساده و روان، جملات و عبارات کوتاه، استفاده از اوزان مناسب و ملموس بودن توصیف‌ها و نزدیکی آن به دنیای کودکان، از ویژگی‌های خوب این شعرهاست. از این دست می‌توان به شعرهای **عطر فرشته‌ها، سیگار، سماور، دوست تازه، صبحانه** و ... اشاره کرد که جزو بهترین شعرهای این مجموعه‌ها هستند.

در شعر «**توپ نقره‌ای**»، تصاویر زیبا و خیال‌انگیزی می‌بینیم که به دنیای سرشار از تخیل کودک بسیار نزدیک است:

ماه توپ کوچکی است

روی دوش بادها

باز هم قِل می‌خورد

ماه توی حوض ما

تشبیه «ماه» به «توپ» که توی حوض افتاده و با حرکت باد توی آب قِل می‌خورد، تصویری کودکانه و تشبیهی قابل فهم و ساده است که به دنیای فکری و ذهنی کودک تعلق دارد.

در شعر «**باران**» می‌خوانیم:

پروانه‌خانم چتر در دست

رد می‌شود از توی چاده

رنگین‌کمان با بچه‌هایش

در زیر باران ایستاده

«**مثل پَر پروانه**»، «**مدرسه‌ی جوجه‌ها**» و «**بچه‌ها! بهار**

را صدا کنید»، نام سه کتاب شعری است که حمید هنرجو، شاعر نام‌آشنای کودک و نوجوان، به تازگی روانه بازار نشر کرده است.

انتشار این سه جلد کتاب، در روزگاری که کتاب‌های بازاری و تجاری ضعیف، بازار نشر را پُر کرده‌اند و گاه باید ماه‌ها انتظار کشید تا کتاب شعری درخور تأمل، در وادی کودک و نوجوان متولد شود، جای بسی خرسندی دارد.

در این سه مجموعه که با ظاهری زیبا و رنگ‌هایی شاد و جذاب عرضه شده‌اند، شعرهایی می‌خوانیم با موضوع‌های متفاوت و متنوع؛ از عروسک و مرغ و جوجه گرفته تا سیگار و کتاب و سماور. گاه شاعر به توصیف باران و رنگین‌کمان و روستا پرداخته و گاه از قرآن و نماز و نهج‌البلاغه با کودک سخن گفته است. مخاطب این شعرها، گروه سنی «الف» و «ب» است.

حال باید دید شاعر فعال و پُرکار این کتاب‌ها، تا چه حد توانسته است با سرودن این شعرها، شریک لحظه‌های کودکانه شود؟ آیا توانسته است دست مخاطب را بگیرد و در تماشای لحظه‌های شاعرانه خود شریک کند؟

با نگاهی اجمالی به شعرهای این سه کتاب، به نمونه‌های خوبی برمی‌خوریم، که هم به لحاظ زبانی و محتوایی و هم تصاویر شاعرانه، برای این طیف از مخاطب مناسب به نظر می‌رسند و شاعر

قویی سپید آرام آرام
رد می شود از زیر یک پُل
احوال پرسی می کند باد
از ساقه لرزان یک گل

در ادبیات فوق، استفاده از آرایه تشخیص برای عناصر طبیعت، در زبانی ساده و روان، به شعر تحرک و زیبایی خاص بخشیده است.

شعر «عطر فرشته‌ها» که زبانی ساده، وزنی کوتاه و روان و تصاویری زیبا دارد، از دیگر شعرهای موفق این مجموعه است:

امروز روضه است
در خانه رضا
از کوچه می رسد
عطر فرشته‌ها
پیچیده در محل
بوی گل و گلاب
هستیم ساعتی
مهمان آفتاب
مثل پرندها
پرباز می کنیم
با یاد کربلا
پرواز می کنیم

شعر «سماور» هم علی‌رغم برخورداری از درون‌مایه‌ای غمگین و حزنی که در بیت بیت آن جاری است، از شعرهای خوب و درخشان این مجموعه به حساب می‌آید و بی‌انصافی است اگر بدون اشاره‌ای کوتاه از آن بگذریم:

غروب ساکتی بود
کمی باران می آمد
برای بی‌بی من
سماور حرف می زد
نمی دانستم اما
چه می گوید سماور
و قُلْ قُلْ معنی اش
چیست؟
نفهمیدم من آخر
سماور قصه می گفت
فقط او بود و بی‌بی
و نمم اشک
می ریخت
از آن چشمان آبی
کمی لب‌های بی‌بی
شد از آن اشک‌ها، تر
نفهمیدم خدایا
چه می گوید سماور!

پس از این اشاره مختصر به نمونه‌های خوب و موفق این سه مجموعه، در ادامه به بررسی این نکته می‌پردازیم که میزان توفیق یا عدم توفیق شاعر در برقراری ارتباط مناسب با مخاطب این شعرها، تا چه حد بوده است؟ «هنر جو» شاعری

است که سال‌های سال در حوزه شعر کودک و نوجوان فعال بوده و دهها کتاب شعر در این عرصه، روانه بازار کرده است. با توجه به این سابقه ذهنی و کاری در مورد شاعر این سروده‌ها، شاید انتظار به‌جا و مناسبی باشد اگر از او توقع داشته باشیم در طول این سال‌ها، حداقل به شناختی نسبی و تصویری روشن از مخاطبان خود در گروه‌های سنی مختلف رسیده باشد. دنیای کودک و نوجوان، دنیای بسیار گسترده و در عین حال پیچیده و پُر رمز و رازی است. «کودک و نوجوان» عنوانی کلی برای طیفی است که از کودکان قبل از دبستان، یعنی گروه سنی «الف» تا نوجوانان مقطع متوسطه، یعنی گروه سنی «ه» را دربرمی‌گیرد. هر کدام از این گروه‌های سنی، احساسات، اندیشه‌ها و افکار، تمایلات و خواسته‌های ویژه و خاص خود را دارند. دنیای فکری و ذهنی و ویژگی‌های جسمی و روحی هر یک، با دیگر گروه‌ها متفاوت است. طبیعتاً شاعر یا نویسنده‌ای که برای این گروه دست به آفرینش و خلق آثار می‌زند، باید شناختی نسبی درباره مخاطبان خود کسب کرده باشد. اگرچه این شناخت ممکن است کامل و دقیق نباشد، باز در هنگام سرودن، راه‌گشای او خواهد بود.

به نظر می‌رسد در اغلب شعرهای این سه مجموعه - جز نمونه‌هایی که در ابتدا ذکر شد - شاعر در برقراری ارتباط مناسب با مخاطب و شناخت او چندان موفق نبوده است. برای روشن‌تر شدن مطلب، خوب است از جنبه‌های مختلف به سراغ سروده‌های این کتاب‌ها برویم و با نگاهی دقیق‌تر آن‌ها را بخوانیم:

صورت‌های خیال و آرایه‌های ادبی

تخیل را مهم‌ترین عامل یا عنصر شعر می‌دانند که آن را از نظم جدا می‌کند. شعر کودک نیز برای شعر شدن، لزوماً باید از خیال و صورت‌های آن بهره‌برد. تصویرهای خیال‌انگیز در شعر گروه‌های سنی «الف» و «ب»، باید ساده و روان و به دور از هر گونه پیچیدگی و تقید باشد.

به عنوان مثال، تصویرهایی که با کمک «تشبیه» ایجاد می‌شوند، برای این طیف مناسب و قابل درک به نظر می‌رسند. تشبیه از ساده‌ترین صورت‌های خیال است و چه خوب است که این تشبیهات، با توجه به دل‌مشغولی‌های کودک و برگرفته از دنیای فکری و ذهنی او باشد. به تشبیهات زیر توجه کنید:

پدر یعنی دو بال مهربانی
پدر یعنی دو چشم پُر ستاره
پدر یعنی انار ترش لبخند
به باغ کوچک لب‌های خواهر
پدر یعنی بهار قلب داداش
پدر یعنی چراغ راه مادر

در نمونه‌های فوق، شاعر به توصیف «پدر» در قالب تصاویری خیال‌انگیز، اما پیچیده و دشوار پرداخته است. به راستی کودک گروه سنی «ب»، از این مصراع چه برداشتی دارد؟

پدر یعنی انار ترش لبخند!

در شعر «همراز» که برای «خدا» سروده شده است، می‌خوانیم:

نام قشنگ تو

زبان ساده
و روان، جملات
و عبارات کوتاه،
استفاده از
اوزان مناسب
و ملموس بودن
توصیف‌ها و
نزدیکی آن
به دنیای کودکان،
از ویژگی‌های خوب
این شعرهاست

در شعر زنبور است

نامی که شیرین‌تر

از اشکِ انگور است

صرف نظر از بیت اول که از نظر بیان مفهوم، دچار نارسایی

است و معلوم نیست که شاعر خواسته بگوید: «نام قشنگ تو در

شعر زنبور، وجود دارد» یا این که: «نام قشنگ تو در شعر، زنبور

است» در بیت دوم نیز ترکیب «اشک انگور» برای کودک دشوار

و دیرباب است.

در بیت زیر:

باز الفبای باد

ریخت میان حیاط ...

باز هم منظور شاعر از «الفبای باد» مشخص نیست و نیز

درک مفهوم این ترکیب، برای این گروه سنی مشکل است.

در جای دیگری می‌خوانیم:

زندگی قشنگ شد

با صدای شاد بلبل

بوی آشتی وزید

از مسیر عطسه‌گلی

تصویر خیال‌انگیز بیت دوم که در آن شاعر از «حس آمیزی»

نیز بهره برده، برای مخاطب سنگین است. «وزیدن بوی آشتی»

و «عطسه گل»، تصویرهایی است که کودک نمی‌تواند به راحتی

با آن‌ها ارتباط بگیرد.

در شعر «کاشکی» به این بیت‌ها می‌رسیم:

در دل تنگ بلور

ماهی قرمز شکفته!

و یا:

صورت مهتابی بابابزرگ

باز دمید از افق جانماز!

«شکفتن ماهی در دل تنگ بلور» و «دمیدن صورت مهتابی

بابابزرگ از افق جانماز»، اگرچه تصاویری شاعرانه و بدیع هستند،

به سبب حذف برخی از ارکان این تشبیه‌ها و نزدیک شدن آن به

استعاره، درک آن برای کودک مشکل است.

همین مشکل، کمابیش در شعر «اولین نماز من» نیز

به چشم می‌خورد. ترکیب‌های اضافه «مسجد چمن»، «اذان

آبشار»، «صدای پای صبح» و «برف بال فرشته»، علی‌رغم

ظاهر ساده‌شان، مناسب این گروه سنی نیستند:

توی مسجد چمن

با صدای گرم سار

با اذان آبشار...

—

با صدای پای صبح

یک فرشته ناگهان

بال و پر زد و پرید

جانماز من ولی

زیر برف بال او

کم کمک سفید شد...

—

ترکیب «نقل‌های سپید گشنیزی» که استعاره از دانه‌های برف

است، در ابیات زیر نیز از همین دست است:

آسمان مشت مشت می‌باشید

نقل‌های سپید گشنیزی

گفت از برف تازه پر شده است

دامن بیدهای تبریزی

گاهی شاعر در توصیف پدیده‌ها، به بیانی کلی در قالب ترکیب‌ها

و تصویرهای کلیشه‌ای روی می‌آورد. برای کودکان خردسال،

توصیف‌های کلی هیچ معنایی ندارد؛ چرا که آنان با جزئیات سر و کار

دارند. برای این طیف از مخاطب، باید به توصیف مشخص و جزء به

جزء پدیده‌ها پرداخت و از کلی‌گویی پرهیز کرد:

بابای مدرسه

یعنی دعای خیر

یعنی نماز صبح

—

از این که دوستی مثل تو دارم

همیشه خوب و شاد و

سربلندم!

به راستی کودک از این عبارات کلی، درباره «بابای مدرسه»

چه می‌فهمد؟ «خوب بودن» و «سربلند بودن»، به تنهایی در ذهن

او مفهومی ندارد و خیلی کلی است.

گاهی نیز تصاویر از فرط تکراری بودن، به کلیشه و شعار تبدیل

شده‌اند. تعبیری که بچه‌ها بارها و بارها در شعرهای دیگری که برای

آن‌ها سروده شده، شنیده و خوانده‌اند و کشف تازه‌ای در آن‌ها به

چشم نمی‌خورد. ضمن این که این تعبیر تکراری، از نظر مفهومی نیز

به گروه سنی مخاطب کتاب تعلق ندارد.

به این ابیات توجه کنید:

در توصیف قرآن:

در باغ سوره‌هایش

گل‌های بوسه را کاشت

در توصیف خدا:

تو شعر مهربانی را سرودی

کتاب آفرینش را گشودی

برای پدر بزرگ:

در میان قصه‌اش

پندها نهفته است

خنده بر لبان او

مثل گل شکفته است

در توصیف نهج البلاغه:

میان سینه‌ام هست

پر از آوای توحید

شکفته در نگاهم

گل زیبای خورشید

زبان شعر

در حوزه زبان نیز به موارد متعددی برمی‌خوریم که سبب افت

شعر و ایجاد ضعف در آن شده است. می‌دانیم که زبان شعر کودک،

زبانی ویژه است و وجود هر گونه ضعفی در آن، باعث تنزل می‌شود

گاهی شاعر

در توصیف پدیده‌ها،

به بیانی کلی در

قالب ترکیب‌ها و

تصویرهای کلیشه‌ای

روی می‌آورد.

برای کودکان

خردسال،

توصیف‌های کلی

هیچ معنایی ندارد؛

چرا که آنان

با جزئیات

سر و کار دارند.

برای این طیف

از مخاطب،

باید به توصیف

مشخص و

جزء به جزء

پدیده‌ها پرداخت و

از کلی‌گویی

پرهیز کرد

و به آن لطمه می‌زند. در نتیجه، مخاطب نمی‌تواند ارتباط مناسبی با شعر برقرار کند.

گاه شاعر از واژه‌های بزرگسالانه و کهن که با زبان کودک فاصله زیادی دارد، بهره گرفته که همین امر، شعر را از صمیمیت و تازگی دور کرده است. مثل کاربرد کلمات «اکنون، نیز، آوا، حوالی و ...» در نمونه‌های زیر:

خداوندا! به قلب من سفر کن

مرا اکنون به خود نزدیک‌تر

کن

میان سینهام هست

پر از آوای توحید

کلشکی

خانه دل نیز بهاری شود...

بچه‌گنجشک راستگومی گفت

صبح امروز در حوالی رود...

جابه‌جایی ارکان جمله، مخفف کردن کلمات و یا حذف بی‌مورد برخی حروف که ممکن است در شعر بزرگسال، به دلیل رعایت وزن یا پاره‌ای مسایل، خالی از اشکال باشد و جایز شمرده شود. در شعر کودک و نوجوان مجاز نیست؛ چرا که به زبان شعر آسیب می‌زند:

صبحها

توی اتاق من و مادر بزرگ

زمزمه پر می‌شود

در مصراع آخر، حرف «از» حذف شده است.

سه روزی هست با هم دوست هستیم.

همان روزی که می‌بارید باران

یعنی «از» همان روزی که باران می‌بارید. این جا هم به علت ضرورت وزن، حذف انجام شده است.

در بیت دیگری می‌گوید:

دنیای زیبا را

تو باغبان هستی

حرف «را» که در این جا به معنای «برای» آمده است، کاربردی بزرگسالانه دارد و مناسب زبان شعر کودک نیست.

مواردی از حشو و اطناب‌های بی‌مورد و مُخِل، در ابیات زیر به چشم می‌خورد:

قلک ابرها شکسته و خوب

سکه روی عروس پاشیده

خوب بازی می‌کنند

روی تپه برها

در ابیات فوق، «خوب» کاملاً حشو بوده و تنها برای پُر کردن وزن آمده است.

در شعر «مدرسه‌ی جوجه‌ها»، این بخش کاملاً زاید به نظر می‌رسد:

صبحها

توی اتاق من و مادر بزرگ

زمزمه پر می‌شود

و حذف آن هیچ لطمه‌ای به کلیت شعر نمی‌زند. گاه طولانی شدن جمله، درک آن را برای کودک دشوار می‌سازد:

لا به لای غنچه‌ها

شاپرک بالا و پایین می‌پرد

می‌شد از لب‌های او

«غنچه جان عیدت مبارک» را شنید!

جابه‌جایی ارکان جمله نیز روال طبیعی زبان را برهم می‌زند و آن را از صمیمیت دور می‌کند:

گفتم که مثل بابا

بودم بزرگ ای کاش

گاهی جملات و ترکیبات از نظر معنایی دچار نارسایی‌اند:

می‌بارد از هوا نور

می‌روید از زمین گل

تولد بهار است

روز قشنگ بلبلی

«روز بلبلی» چه روزی است؟!

در شعر «بهار در روستای ما» می‌خوانیم:

باز هم خاتون من

روسری نو خرید

چون نمانده چند روز

بیشتر تا روز عید

...

باز گوش غصه را

خنده‌ها کر می‌کند

چادر گلدار سبز

طاهره سر می‌کند

...

خواهرم مثل گل است

سن او خیلی کم

است

مشق عیدش هفت بار

از امین و اکرم است

.....

در این شعر، معلوم نیست «خاتون» کیست؟ مادر است یا مادر بزرگ؟ یا شخص دیگری؟ طاهره کیست؟ آیا خواهر راوی است؟ در این صورت، با توصیف‌هایی که در ابیات بعدی درباره خواهر می‌خوانیم، متناسب نیست.

در این گفتار، به همین تعداد نمونه و مثال بسنده می‌کنیم و ضمن آرزوی توفیق برای شاعر این سروده‌ها، به طرح این پرسش می‌پردازیم که چه لزومی دارد وقتی سروده‌های یک شاعر، به تعداد مناسب برای انتشار یک مجموعه نرسیده است، با کنار هم چیدن شعرهای متفاوت و با حال و هوا و ویژگی‌های مختلف و ارائه آن در قالب یک مجموعه، مخاطب را دچار سردرگمی و ابهام کنیم؟ ای کاش شاعر، نمونه‌های خوب و مناسب را از میان این سه کتاب انتخاب و در قالب یک مجموعه برای گروه سنی «الف» و «ب» ارائه می‌کرد.

جابه‌جایی ارکان جمله، مخفف کردن کلمات و یا حذف بی‌مورد برخی حروف که ممکن است در شعر بزرگسال، به دلیل رعایت وزن یا پاره‌ای مسایل، خالی از اشکال باشد و جایز شمرده شود، در شعر کودک و نوجوان مجاز نیست؛ چرا که به زبان شعر آسیب می‌زند